

جستاری در مذهب اسماعیلی

فردوسی

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

(ویست و سه گفتار دیگر)

از شاهنامه شناسان درباره

دین و مذهب فردوسی)

حمیدرضا اردستانی رستمی

جستاری در مذهب اسماعیلی فردوسی

(و بیست و سه گفتار دیگر از شاهنامه‌شناسان
در بارهٔ دین و مذهب فردوسی)

حمیدرضا اردستانی رستمی

کتابساز

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسَم الرسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: پیکان

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۲۸-۷۷-۴

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

 nashr_negahemoaser

«گُمان مَکُن که گناه‌هایِ پراکنده، رشتهٔ رستگاری را می‌گسلد؛ بل که باعثِ بدبختیِ همیشگی، نوعی نادانی است».

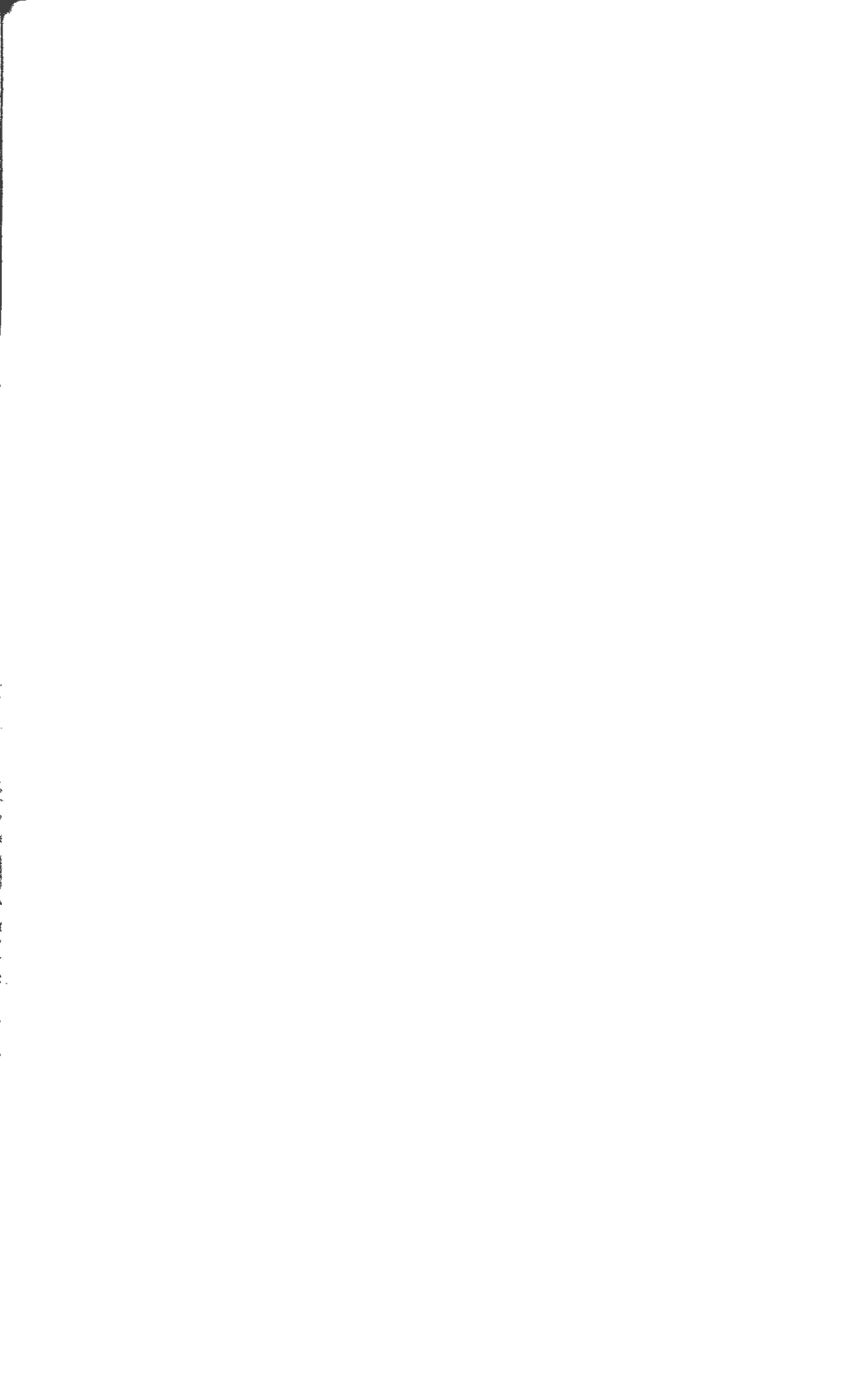
(اشارات و تنبیهاتِ ابنِ سینا)

چو نادان زهد و زُرد، هست ظلمت ز دانا ذلت آید، هست رحمت

(روشنایی نامهٔ ناصر خسرو)



پیش‌کشِ دکتر فرهاد دفتری



گفتار نما

پیش گفتار ۱۳

بخش نخست (جستاری در مذهب اسماعیلی فردوسی) ۱۷

حمیدرضا اردستانی رستمی: «چرا باید فردوسی را اسماعیلی مذهب بدانیم؟» ۱۹

۱. آرای گذشتگان درباره مذهب فردوسی و بررسی آنها ۱۹

۱.۱. زیدی بودن فردوسی؟ ۲۰

۲.۱. سُنی بودن فردوسی؟ ۲۲

۳.۱. متصوّف بودن فردوسی؟ ۲۶

۴.۱. دوازده امامی بودن فردوسی؟ ۲۹

۵.۱. اسماعیلی بودن فردوسی ۳۷

۲. شکل گیری اسماعیلیان در تاریخ اسلام ۴۰

۳. چرا می توان فردوسی را اسماعیلی مذهب پنداشت؟ ۴۷

۱.۳. فردوسی، اسماعیلیان و ملی گرایی ۴۹

۲.۳. فردوسی، اسماعیلیان و محضر نوشتن ضحاک / القادر بالله عباسی ۶۳

۳.۳. فردوسی، اسماعیلیان و حُرّم دینی ۶۵

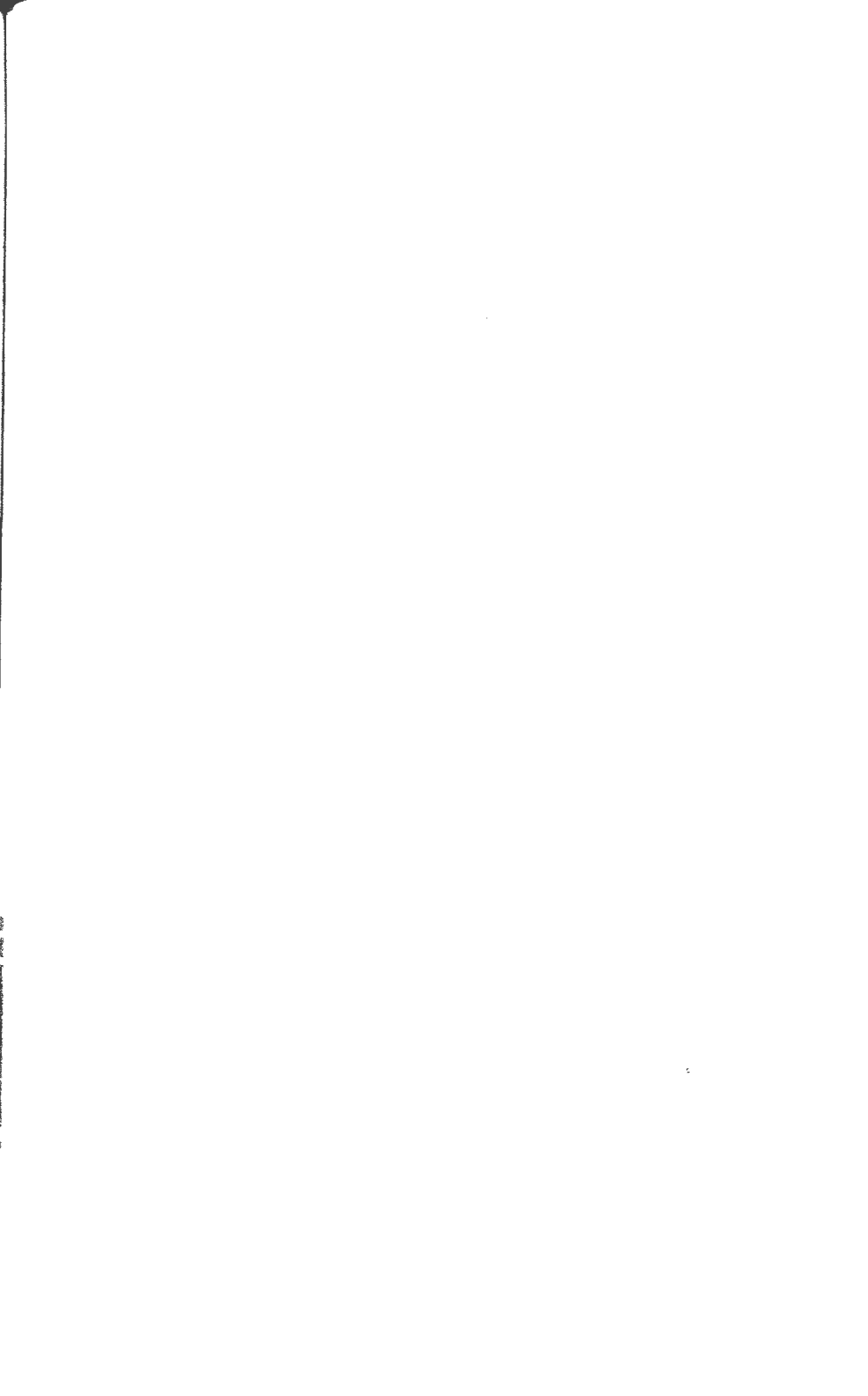
۴.۳. فردوسی، اسماعیلیان و دو خدای: خدای برتر ناشناختنی و خدای آفریننده ۷۲

۵.۳. فردوسی، اسماعیلیان و نفی تنزیه و تشبیه ۷۷

۶.۳. فردوسی، اسماعیلیان و برشده گوهر ۸۱

- ۷.۳. فردوسی، اسماعیلیان و تقدیم در ستایش خرد و تأخیر در ستایش پیام‌بر (ص) ... ۸۵
- ۸.۳. فردوسی، اسماعیلیان و برره رمز معنی بُودنِ داستان‌های شاهنامه ۸۸
- ۹.۳. فردوسی، اسماعیلیان و ژرف‌نگری (باطن‌گرایی) ۹۰
- ۱۰.۳. فردوسی، اسماعیلیان و باور به بایستگی وجودِ وصی ۹۳
- ۱۱.۳. فردوسی، اسماعیلیان و یاد نکردن از علی بن موسی الرضا (ع) ۹۸
- ۱۲.۳. فردوسی، اسماعیلیان و روند آفرینش ۱۰۱
- ۱۳.۳. فردوسی، اسماعیلیان و ستیز با اندیشه‌های محمد زکریای رازی و ابن‌راوندی ۱۰۳
- ۱۴.۳. فردوسی، اسماعیلیان و برخی سخنان همانند آنان ۱۱۲
- پی‌نوشت‌ها ۱۲۴
- کتاب‌نمای بخش نخست ۱۵۱
- بخش دوم (بیست و سه گفتار از شاهنامه‌شناسان دربارهٔ دین و مذهب فردوسی) ... ۱۶۹**
۱. تنوور نُوردیکه: تحقیق و تتبع در دین فردوسی ۱۷۱
۲. صادق رضازاده شفق: فردوسی از لحاظ دینی ۱۹۱
۳. احمد علی رجایی بخارایی: مذهب فردوسی ۲۰۱
۴. حافظ محمودخان شیرانی: مذهب فردوسی ۲۱۱
۵. محمد محیط طباطبایی: اعتقاد مذهبی فردوسی (فردوسی مسلمان است) ۲۸۳
۶. علی‌رضا شاپور شهبازی: دین فردوسی ۳۰۱
۷. احمد مهدوی دامغانی: مذهب فردوسی ۳۱۵
۸. حسن انصاری: نکته‌ای دربارهٔ مذهب فردوسی ۳۵۵
۹. جلال خالقی مطلق: دین شاعر و مذهب او ۳۶۳
۱۰. محمود امیدسالار: اظهارات صریح و ضمنی فردوسی در باب مذهبش ۳۶۹
۱۱. منصور رستگار فسایی: علی (ع) و خاندانش در شاهنامهٔ فردوسی و حماسه‌های ملی ۳۷۵
۱۲. عباس زریاب خویی: نگاهی تازه به مقدمهٔ شاهنامه ۳۸۹
۱۳. محمدمبین ریاحی: بینش دینی فردوسی ۴۰۵

۱۴. عزیزالله جوینی: سخنی در مذهبِ فردوسی..... ۴۱۷
۱۵. علی ابوالحسنی: شهرتِ فردوسی به تشیع..... ۴۲۳
۱۶. سید حسن امین: مذهبِ فردوسی..... ۴۳۵
۱۷. جلیل دوست‌خواه: باوردینی و گرایشِ مذهبیِ فردوسی..... ۴۵۱
۱۸. حسین رزم‌جو: جهان‌بینیِ توحیدیِ فردوسی..... ۴۵۷
۱۹. سیروس شمیسا: دینِ فردوسی..... ۴۷۵
۲۰. محمد محیط طباطبایی: اعتقادِ مذهبیِ فردوسی (آیا فردوسی زردشتی بود؟)..... ۴۹۵
۲۱. سجاد آیدنلو: اثباتِ یکی از بدیهیاتِ شاهنامه‌شناسی..... ۵۰۳
۲۲. ابوالفضل خطیبی: گرایشِ مذهبیِ فردوسی: تعصب یا تساهل؟..... ۵۱۳
۲۳. سخنانِ کوتاه شاهنامه‌شناسان در دین و مذهبِ فردوسی..... ۵۲۹
- سید حسن تقی‌زاده / ملک‌الشعراى بهار / محمد معین / ذبیح‌الله صفا / عبدالحسین
 زرین‌کوب / مهدی قریب / عارف نوشاهی / محمد علی اسلامی ندوشن / نصرالله
 پورجوادی / احمد رنج‌بر / قدم‌علی سزائی / مرتضی ثاقب‌فر / سید عطاءالله مهاجرانی /
 میرجلال‌الدین کزازی / محمد جعفر یاحقی / سعید حمیدیان / محمد رضا راشد
 محصل / منوچهر دانش‌پژوهان / محمد دهقانی..... ۵۲۹-۵۴۴
- ۵ کتاب‌نمایِ بخشِ دوم..... ۵۴۵



پیش‌گفتار

آن‌چه پیش‌روی دارید مجموعه‌ای از گفتارها دربارهٔ دین و مذهبِ فردوسی است که در دورهٔ معاصر (تقریباً همین صد سالِ اخیر) از زبانِ فردوسی‌پژوهان بازگفته شده است. از آن‌چه خواهیم دید، چنین برمی‌آید که پیوسته پژوهش‌گران به چیستی دین و مذهبِ فردوسی توجه داشته‌اند و کم‌تر پژوهنده‌ای را می‌بینیم که از بینشِ دینی و مذهبِ فردوسی پرسش نکرده باشد؛ از همین روی، این نکته پیش‌می‌آید که چرا باید پژوهندگانِ یک اثرِ حماسی به این اندازه به دین و مذهبِ سرایندهٔ آن اثر توجه داشته باشند؟ به راستی چه پیوندی است میانِ حماسهٔ فردوسی و دین و مذهبِ وی که پیوسته از نگرشِ دینی و مذهبی او پرسیده‌اند؟

پرسش از دین و مذهبِ فردوسی، یکی از سؤال‌هایی است که پیوسته ذهنِ نگارنده را هم چون دیگرانی که به حوزهٔ شاهنامه‌پژوهی وارد شده‌اند، به خود مشغول می‌داشت و به دلیل همین پرسش و سؤالاتی همانند آن، گه‌گاه مورد سرزنش برخی منتقدان قرار گرفته است که به راستی سخن‌گفتن از دین و کیشِ فردوسی، اساساً چه مشکلی را می‌گشاید و چه یاری‌یی به شناختِ شاهنامه می‌رساند؟

پاسخ به این گروه که بیش‌تر فریفتهٔ زیبایی‌های ادبیِ به‌حقِ شاهنامه هستند و خویش‌کاری‌هایِ دیگر این اثر در فرهنگِ ما را چندان مهم نمی‌دانند، این خواهد بود که شناختِ دین و مذهبِ فردوسی، چیستیِ اندیشهٔ ایرانیانِ پیش‌رو آن قرن‌ها را روشن می‌سازد که البته این مسأله برای کسانی که صرفاً می‌خواهند از یک متنِ ادبی لذت ببرند و به زیبایی‌های هنری اثر سرگرم باشند، موضوعی مهم نخواهد بود؛ اما دغدغه‌مندانی که

سیر تحول فکری ایرانیان، تاریخ علوم عقلی در ایران، چه‌گونگی افتادن در ابتدال خردستیزی و علل توسعه نیافتگی ایران را جست‌وجوی کنند و از سرگشتگی‌های فکری و تناقض در کردار ایرانی به تنگ آمده‌اند، قطعاً شناخت برآمیختگی اندیشه ملی‌گرایانه و مذهب اسماعیلی فردوسی راه‌گشا خواهد بود.

فردوسی از یک سو در پی آن است که با ارائه شاهنامه به عنوان آینه‌ای از فرهنگ ایرانی، ضعف، نقص و البته شایستگی‌های این فرهنگ را بنماید و از سوی دیگر با درآمیختگی بخش کارآمد فرهنگ کهن ایرانی و تفکر شیعی (اسماعیلی) که خرد را اساس زیست مادی و معنوی خود ساخته است، طرحی برای زندگی ایرانیان به دست دهد. او این برآمیختگی فرهنگ کهن ایرانی و تفکر اسماعیلی را که در همان اندیشه‌های کهن ایران بنیاد دارد و پیکره‌ای اسلامی گرفته است، به زیبایی در دیباچه اثرش به نمایش می‌گذارد و این اندیشه و باور را در بُن داستان‌های شاهنامه می‌پراکند. او با آمیزش فرهنگ دیرپای ایرانی و اندیشه شیعی، آمیختگی دین‌ورزی با خردگرایی، دنیاگرایی توسعه‌گرا و رستگاری اخلاقی یا به تعبیری دیگر، زیست اخلاقی هم‌راه با شادی را جست‌وجوی کند و البته چه طرحی برای زندگی در روزگار کنونی از این خوش‌تر.

نکته‌ای دیگر را که گروه یادشده (کسانی که صرفاً به ادبیت متن شاهنامه اصالت می‌دهند) از آن غفلت کرده‌اند، وجود اندیشه دینی (اسماعیلی) در بُن داستان‌های شاهنامه است که حتی ساخت ادبی و زیبایی‌شناسی آن متن را رقم می‌زند و متأثر می‌سازد. در این باره کافی است به دیدگاه فردوسی درباره داستان‌های شاهنامه (آن‌جا که داستان‌ها را به دو گونه در تطابق با خرد انسانی و داستان‌هایی که بر رمز معنی می‌بزد، تقسیم می‌کند) نگاه کنیم. از نظر نگارنده، این دید به داستان‌ها از بینش اسماعیلی فردوسی برمی‌خیزد که پس از این بدان خواهیم پرداخت؛ بنابراین، آیا می‌توان جنبه ادبیت متن شاهنامه را از بُن مایه‌های فکری و باوری سراینده‌اش جدا ساخت؟

بنابر آن‌چه یاد شد، شناخت بُن مایه‌های اندیشه شاعر در توضیح و تحلیل ادبیت متن شاهنامه بایسته است و نمی‌توان فارغ از علت و انگیزه سراینده متن، به نتیجه چندان درستی از تحلیل متن رسید؛ از همین روی، در بخش نخست این مجموعه، نگارنده بر آن بوده که بینش مذهبی فردوسی را بررسی کند و در این راه از دیباچه به صورت ویژه و دیگر بخش‌های شاهنامه یاری بگیرد و نهایتاً فردوسی را به عنوان شاعری

اسماعیلی مذهب بشناساند. پس از آن نیز در بیست و سه گفتار (از تئودور نُولدیکه تا محمد دهقانی) آن‌چه را دربارهٔ دین و مذهبِ فردوسی گفته‌اند، آورده است تا خوانندگان در یک مجموعه، تقریباً همهٔ سخنانِ پژوهندگانِ شاهنامه را در این باره ببینند و در آن درنگ و رزند.

دربارهٔ بخشِ دوم کتاب، به این نکته باید توجه داشته باشیم که نگارنده در آن، در ترتیبِ قرار گرفتنِ جستارها بر آن بوده است تا زمانِ نگارشِ هر گفتار در نظر گرفته شود؛ از همین روی، جستارهایی را مانند آن‌چه نُولدیکه، رضازاده شفق، رجایی بخارایی، شیرانی، محیط طباطبایی و شاپور شهبازی نوشته‌اند، در آغاز با رعایتِ زمانِ نگارشِ آن‌ها آورده است. از سویِ دیگر، تناسبِ موضوعیِ مقاله‌ها نیز در نظر بوده است؛ یعنی جستارهایی را که در آن نویسندگان (خالقی مطلق، امیدسالار، رستگار فسایی)، فردوسی را به پی‌روی از مهدوی دامغانی شیعهٔ دوازده‌امامی دانسته‌اند، پی در پی آورده است. البته پس از نقلِ مقالهٔ مهدوی دامغانی، مقاله‌ای را قرار داده که در آن انصاری به نقدِ سخنِ مهدوی دامغانی پرداخته است. در دسته‌ای دیگر از گفتارها، مقالهٔ زیباب خوبی را دربارهٔ اسماعیلی بودنِ فردوسی و کسانی دیگر را چون ریاحی و جوینی می‌بینیم که دیدگاهِ زیباب خوبی را دربارهٔ مذهبِ فردوسی پذیرفته‌اند. در گفتارِ نویسندگانی چون ابوالحسنی و امین، از منابعِ قدیم که در آن فردوسی را شیعه دانسته‌اند، سخن رفته است. دوست‌خواه نیز در گفتاری نگاهِ خردورزانهٔ فردوسی را به دین نشان می‌دهد و رزم‌جو هم ضمنِ سخنِ گفتن از جهان‌بینیِ توحیدیِ فردوسی، می‌کوشد اعتقاد به اصولِ دین را نزد شاعر نشان دهد. گفتاری نیز از شمیسا آمده است و به نظر می‌رسد او فردوسی را شیعه‌ای ناسره و بیش‌تر بر دینِ زردشتی می‌شناسد. در پیِ این جستار، دو گفتار از محیط طباطبایی و آیدنلو آمده که پیش از سخنانِ شمیسا منتشر شده است؛ اما از آن‌جا که در آن، به آرایِ همانندِ شمیسا دربارهٔ مذهبِ فردوسی پاسخ داده‌اند، پس از گفتارِ مربوط به شمیسا آمده است. در پیِ این بحث، گفتاری از خطیبی را می‌بینیم که در آن، او فردوسی را برخلافِ بعضی شاهنامه‌شناسانِ دیگر، شیعه‌ای اهلِ مدارا و به دور از هرگونه تعصب می‌داند. گفتارِ پایانی نیز سخنانی کوتاه از شاهنامه‌شناسان و پژوهندگان دربارهٔ دین و مذهبِ فردوسی است.

خوانندگان در بخشِ دوم کتاب، به این نکات نیز باید توجه داشته باشند: (۱) اگر

خواننده گرامی در گفتاری قدیمی، ارجاعی مربوط به سال‌های اخیر می‌بیند، این بدان دلیل است که در برخی موارد، نویسنده آن گفتار، متأسفانه سخن خود را مستند نساخته و گردآورنده مجبور شده است تا منبع سخن او را بیابد و چون به چاپ‌های تازه‌تر از آن منبع دست‌رسی داشته، بدان رجوع کرده است. البته ارجاع به موارد این چنینی، به پی‌نوشت بُوده شده است؛ (۲) گردآورنده کوشیده است تا همه ارجاعات در گفتارهای بخش دوم کتاب را به شیوه درون‌متنی بیاورد؛ (۳) برخی از گفتارها، فهرست منابع نداشته و گردآورنده در پایان این گفتارها، فهرستی از منابع را آورده است؛ (۴) هر جا در جستارها عنوان «توضیح» آمده، برافزوده نگارنده است؛ (۵) آنچه در پی‌نوشت‌های جستار در پیوند با نولدی که آمده، به جز چند مورد، از نگارنده این سطرها است؛ (۶) در پایان کتاب، جای دقیق بیست و سه گفتاری که در بخش دوم آمده و پیش‌تر در کتاب‌ها و مجله‌ها به چاپ رسیده، ذکر شده است.

در پایان شایسته است سپاس ویژه خود را به جناب آقای اکبر قنبری، مدیر فرزانه نشر نگاه معاصر، پیش‌کش کند که انتشار این اثر را در کنار دیگر آثار نشر خود پذیرفتند. هم‌چنین، بایسته است سپاس‌گزار باشد حروف چین و صفحه‌آرایی دل‌سوز، جناب آقای امید سیدکاظمی را که با دقت نظر تمام، متن را آراستند و آماده چاپ کردند. دوست فیلسوف و فاضل خود، دکتر علی زاهد را نیز سپاس‌گزار است که متن حاضر را خواندند و نکته‌هایی بسیار سودمند را به بنده متذکر شدند. بی‌داد خواهد بود آگریاری‌های شریکی زندگی خویش را پاس ندارد. از بن جان او را نیز سپاس‌گزار است.

حمیدرضا اردستانی رستمی

بیستم اردیبهشت ۱۳۹۸